

نشریه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال اول، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۰، صفحات ۱۴۶-۱۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۰۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۰۲/۱۴

مقایسه محتوایی مطبوعات آذربایجان بین دوره‌های سلطنت رضاشاه و چهار سال ابتدایی حکومت محمدرضاشاه (۱۳۲۴-۱۳۰۴ شمسی)

حجت فلاح توتکار^۱
رضا محمدی^۲

چکیده

سطح کیفی روزنامه‌های انتشار یافته در آذربایجان در دوره رضاشاه نسبت به دوره ما قبل تغییر اساسی داشت. صفحات نشریات آن عهد به تمجید از رضاشاه، انواع آگهی‌ها، اخبار و گزارش‌های داخلی ایران و آذربایجان اختصاص می‌یافت. نسبت به اوضاع مملکت و مقامات بلندپایه نظام پهلوی انتقادی صورت نمی‌گرفت. عمر روزنامه‌ها کوتاه و فاقد مقالات سیاسی و اجتماعی درباره حقوق مردم و آزادی و ... بود. اما روزنامه‌هایی که در طول سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۲۰ ش. منتشر می‌شد آزادانه به انتقاد از وضعیت نابسامان ایران و آذربایجان در دوره رضاشاه و فرزندش می‌پرداختند. افزایش کمی و کیفی و چاپ مطالب ترکی در نشریات نشان از رهایی آنها از خفقان و جو پلیسی جامعه بود. مهم‌ترین دلیل وضعیت دوره اول (۱۳۲۰-۱۳۰۴ ش) قدرت مطلقه سیاسی، خفقان حاکم و عدم آزادی بیان بود اما در دوره دوم (۱۳۲۴-۱۳۲۰ ش) فضای باز سیاسی باعث تشدید فعالیت احزاب و نیروهای متمایل به شوروی شد و در نتیجه انتشار روزنامه‌هایی همسو با آن جریان‌ها را رقم زد.

واژگان کلیدی: آذربایجان، روزنامه، رضاشاه، شوروی، محمد رضاشاه.

Email:hojjat.fallah@yahoo.com.

۱- استادیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین.

۲- کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی.

مقدمه

مطبوعات به عنوان رکن چهارم مشروطه در تحولات و بحران‌های اجتماعی نقش مهمی ایفا کرد. آزادی مطبوعات، شاخص آزادی‌های سیاسی و اجتماعی تلقی می‌گردد. به همین علت وضعیت نشریات در دوره مورد بحث (۱۳۲۴-۱۳۰۴ش) نمایانگر ساختار حکومتی و ظرفیت تحمل‌پذیری مسوولان نظام در برابر انتقادات روشنفکران می‌باشد.

رضاشاه در طول سلطنتش با هر آنچه حول محور آزادی و حقوق مردم بود، مخالفت می‌کرد. هیچ کس جرأت انتقاد صریح و شفاف و اظهار نارضایتی از شاه و عملکردش نداشت. تنها نشریاتی مجوز چاپ و انتشار داشتند که منحصرأً به تمجید از شاه و اقداماتش می‌پرداختند. بعد از شهریور ۱۳۲۰ فضای باز سیاسی حاصل از سقوط رضاشاه، موجب ظهور نیروهایی شد که طی سالیان پیشین فرصت ابراز وجود نداشتند. بدیهی بود که نیروهای سیاسی زیرزمینی آذربایجان هم از این فضای آزادی در جهت خواسته‌های خویش بهره‌برداری کنند. هم چنین در دوره اشغال، کمیته ایالتی حزب توده و اتحادیه کارگران در تبریز تحرکات چشمگیری داشتند. البته حضور نظامیان شوروی، ضعف و باتی کابینه‌ها و بحران‌زایی نیروهای سیاسی موجود در آذربایجان موجب ایجاد حوادثی شد که حکومت مرکزی قادر به جلوگیری از بروز آنها نبود. بعضی از نشریات سال‌های دوره دوم (۱۳۲۴-۱۳۲۰ش) تحت تأثیر نفوذ شوروی بودند.

نوشتار حاضر به بررسی محتوایی مطبوعات انتشاریافته در آذربایجان در دوره رضاشاه و چهارسال ابتدایی حکومت محمدرضاشاه می‌پردازد تا نقش مطبوعات در عرصه سیاست آن روزگار و اتفاقات آتی روشن گردد. در این پژوهش این سؤال اصلی مطرح شده است که دلیل تفاوت محتوایی مطبوعات آذربایجان میان دو دوره مورد بحث چه بوده است؟ و با این فرضیه ادامه پیدا کرد؛ ساختار اقتدارگرایی حکومت رضا شاه و فضای باز و پرتنش سیاسی ایران در دوره اشغال بر محتوا و خط مشی مطبوعات تأثیر مستقیم داشت.

۱- روزنامه‌های آذربایجان در دوره رضاشاه

دوره رضاشاهی یکی از دوره‌های خفقان سیاسی و اختناق فرهنگی ایران محسوب می‌شود. آمار و ارقام مطبوعاتی موجود حاکی از آن است که در مدت حاکمیت وی، در کل کشور فعالیت فرهنگی و روزنامه‌نگاری چشمگیری نبوده است. به تبع آن شرایط مجلات و روزنامه‌های معدودی هم که مجوز انتشار داشتند تدریجاً به درج مطالب سرگرم‌کننده، رمان‌های پاورقی و مسائل ساده اجتماعی روی آوردند. در این دوره، شهربانی کاملاً بر مندرجات جراید نظارت داشت. دخالت شهربانی نه فقط نسبت به مقالات سیاسی و اخبار داخله و خارجه جراید بود، بلکه اعلانات روزنامه نیز قبل از انتشار به نظر اداره شهربانی می‌رسید (صدرهاشمی، ج ۱، ۱۳۲۷: ۳۰). «در هیچ یک از روزنامه‌های منتشر شده در زمان رضاشاه در آذربایجان انتقاد و ایرادی نسبت به نظام و مقامات بلندپایه مشاهده نمی‌شود. آرامش موجود در روزنامه حکایت از سکوت و آرامش غمناک گورستانی دارد» (مجیدی، ۱۳۸۲: ۲۱۴) در این دوره به دلیل ممنوعیت نویسندگی به زبان ترکی، علی‌رغم خواست روزنامه‌نگاران، حتی یک روزنامه به زبان ترکی و یا به صورت مشترک فارسی و ترکی منتشر نشده است. در مدت ۲۰ سال (از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ش) در مجموع ۱۷ روزنامه در آذربایجان منتشر شد، که ۱۶ روزنامه به زبان فارسی و فقط یک روزنامه به زبان ارمنی منتشر گردید. از ۱۷ روزنامه ۱۲ روزنامه در تبریز، ۲ روزنامه در ارومیه و یک روزنامه در هر کدام از شهرهای اردبیل، خوی و زنجان منتشر می‌شدند (همان: ۲۱۵-۲۱۴) نکته مهم اینجا است که مطبوعات تبریز که در دوره‌های قبل، بعد از تهران مقام اول را داشت، به مقام چهارم تنزل کرد و بعد از مشهد و اصفهان و شیراز قرار گرفت (برزین، ۱۳۷۰: ۱۹). حال به بررسی چند روزنامه مهم منتشر شده در تبریز می‌پردازیم:

۱-۱ روزنامه سهند

«روزنامه سهند» به صاحب امتیازی محمود غنی‌زاده سلماسی از سال ۱۳۰۵ ش در تبریز منتشر می‌شد. بنابه روایت کتاب «تاریخ جرائد و مجلات ایران»، نام غنی‌زاده در ردیف موسسین مشروطیت ایران در آذربایجان قرار دارد. بعد از مرگ او در سال ۱۳۱۳ ش روزنامه

به مدیریت احمدزاده دهقان انتشار یافته است (صدرهاشمی، ج ۳: ۴۹). مضمون و محتوای سرمقاله شماره‌هایی از روزنامه به شرح زیر است: تعریف و تمجید از رضاشاه و تاریخ باستانی ایران، تبلیغ برگزاری جشن تولد اعلی‌حضرت در (۲۴ اسفند)، قدردانی از رضا شاه به خاطر انتصاب میرزاخلیل‌خان فهیمی به استانداری آذربایجانشرقی، اخبار مسافرت اعلی‌حضرت همایون به ترکیه و نتایج آن، سیل ۸ مرداد ۱۳۱۳ تبریز و خسارات آن با عنوان: تبریز ده سال عقب افتاد، چه باید کرد؟ و... (شماره‌های مختلف روزنامه سهند) به نظر می‌رسد دلیل طولانی بودن عمر این روزنامه، آن بوده که کمتر به موضوعات سیاسی و اجتماعی دوره پهلوی می‌پرداخت تا از تعطیلی و سرکوب در امان باشد. در عین حال در بعضی شماره‌های اولیه روزنامه رگه‌هایی از انتقاد دیده می‌شود که ادامه‌دار نبود. این روزنامه، خطمشی تعریف و تمجید از رضا شاه را برگزیده بود. کارهای او را بزرگ جلوه می‌داد و بعضی مواقع مطالب غیرواقعی منتشر می‌کرد. به عنوان نمونه در شماره‌ای از روزنامه سهند آمده است:

«چرا در اجرای قانون انتخابات از مرکز گرفته تا اقصی حدود مملکت مسامحه می‌شود؟ با اینکه زمامدار محبوب کل و پادشاه مملکت اکیداً امر به آزادی انتخابات می‌فرمایند باز کاسه از آتش گرم‌تران در پرده و عیان از اعمال نظریات شخصی خودداری نمی‌کنند... علت هم این است که ما رشد سیاسی نداریم» (سهند، س ۱، ش ۱۷، ۱۰ شهریور ۱۳۰۵: ۱). البته یادآوری این نکته ضروری است که زمینه‌سازی و دخالت رضاشاه و کارگزاران او در انتخابات مجلس محرز بود. او با انتخاب افراد مورد نظرش برای نمایندگی مجلس، آن‌جا را به محفل تصویب فرامین پادشاه تبدیل کرده بود. به نظر می‌رسد که منظور نویسنده آن مطلب، عدم رشد سیاسی مردم بوده است.

در شماره دیگری از روزنامه سهند به مقاله‌ای برمی‌خوریم که درباره قانون استخدام کشوری و دخالت حکام ولایات در عزل و نصب کارکنان ادارات انتقاد شده است (سهند، س ۱، ش ۲۱، ۷ مهر ۱۳۰۵: ۱).

روزنامه سهند در شماره‌ای توجه نمایندگان مجلس شورای ملی را به وضعیت اسفناک و رقت‌آور شهر سلماس جلب کرده است که در نتیجه غائله سمیتقو و اکراد آن حدود اتفاق

افتاده بود. نویسنده سرمقاله از نمایندگان خواسته بود که برای بهبودی وضعیت منطقه سلماس اقدامات عاجلی انجام دهند (سهند، س ۱، ش ۲۶، ۱۲ آبان ۱۳۰۵: ۱).

این روزنامه درباره نواقص معارف آذربایجان و اصلاحات اساسی که در این زمینه لازم است انجام گیرد، پیشنهادهای داده است. از جمله اینکه حقوق معلمین روستاهای آذربایجان افزایش یابد، کتب فارسی که برای آذربایجان تدوین می‌شود باید به اسلوب و متد خاصی نوشته شود تا در اندک مدتی شاگرد بتواند زبان فارسی تکلم کند (سهند، س ۱، ش ۲۸، ۲۶ آبان ۱۳۰۵: ۱) روزنامه سهند سرمقاله چندین شماره خود را به گزارش مسافرت رضا شاه به ترکیه و شرح ملاقات و سخنرانی‌های او در آنجا اختصاص داده است. این نشریه ضمن تمجید از پادشاه ایران، او را اینگونه معرفی می‌کند: «علیحضرت روح ایرانند» (سهند، س ۸، ش ۷۹-۷۸، ۱۹ تیر ۱۳۱۳: ۱) در ادامه به عوامل معنوی بسیار محکمی که ملت/ دولت ایران و ترکیه را به همدیگر مربوط ساخته اشاره می‌کند:

«رابطه اخوت اسلامی، وحدت نوع و طرز احساسات و تفکر، اتصال بلاواسطه حدود طرفین، سهولت تفهیم و تفهم از حیث زبان، اختلاط دایمی افراد ملتین با همدیگر و سایر چیزهای مشابه که اگر حمل بر اغراق نشود روابط ازلی باید به آنها نام نهاد...» (همان).

سهند در شماره دیگری نوشته است که به مناسبت فوت آتاتورک رئیس جمهور ترکیه یک ماه دربار شاهنشاهی ایران عزادار است و پرچم‌های لشگری و کشوری در داخله نیمه‌افراشته خواهد بود (سهند، س ۱۳، ش ۲، ۲۶ آبان ۱۳۱۷: ۱) این اخبار بیانگر آن بود که حکومت پهلوی به ارتباط با کشور همسایه (ترکیه) ارزش دوچندانی قائل بود. رضاشاه در مسافرت به آنجا میهوت پیشرفت و ترقی و اصلاحات انجام یافته توسط آتاتورک شده بود. روزنامه در شماره‌های بعدی به ذکر همین ترقیات پرداخته است. این روزنامه تنها روزنامه‌ای بود که از سال ۱۳۰۵ تا آخر حکومت رضاشاه منتشر شد (مجیدی، ۱۳۸۲: ۲۱۴).

۲-۱ روزنامه شاهین

روزنامه «شاهین» به مدیریت و صاحب امتیازی میرزا حبیب‌الله خان آقازاده مدت شش سال از ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۴ ش در تبریز طبع و انتشار یافته است. گویا حبیب‌الله آقازاده در ارومیه هم

روزنامه فریاد را منتشر کرده است. احمد کسروی در این مورد چنین نگاشته است: «یک روزنامه آبرومند دیگری به نام فریاد در ارومی نوشته می‌شد که دارنده آن، میرزا حبیب‌الله آقازاده و نویسنده‌اش میرزا محمود غنی‌زاده بودند» (کسروی، ۱۳۸۱: ۲۷۰). در بررسی چند شماره این روزنامه، موضوعات این چینی چاپ می‌شده است:

تمجید از اعلی‌حضرت، مقاله‌های احمد کسروی درباره لهجه‌های گوناگون ایرانی، خلاصه‌های جراید مرکز، تاریخچه تبریز، خلاصه اخبار محلی و ایالتی، تاریخ ایران، اخبار جهان، آگهی ثبتی و تبلیغات، تبریک به ارتش شاهنشاهی به خاطر نابود کردن سیمیتقو و... (شماره‌های مختلف روزنامه شاهین).

عبارت «کثیرالانتشارترین جراید آذربایجان» در صفحه اول هر شماره‌ی روزنامه به چشم می‌خورد. خط مشی کلی آن حمایت افراطی از رژیم پهلوی و تبلیغ حکومت رضاشاه بود. حتی روز سوم اسفند را بزرگ‌ترین عید ملی ایرانیان نامیده و در تمجید از پهلوی اول نوشته بود:

«اعلی‌حضرت پهلوی از همه شاهان بزرگوار گذشته مقتدرتر است. آیا به غیر از این مرد بزرگ کسی می‌توانست در عرض چهارده سال یک چنان کارهای بزرگی را به موقع انجام بگذارد که بزرگان جهان را به حیرت اندازد؟» (شاهین، س ۷، ش ۲۹۲، ۲۴ اردیبهشت، ۱۳۱۵: ۱).

باید دانست که رضاشاه در طول سلطنت خود اقداماتی انجام داد که قبلاً انجام نشده بود اما ذکر این نکته لازم است که او در پایان حکومتش به بزرگ‌ترین مالک ایران تبدیل شد. او به بهانه ایجاد امنیت، شکل‌گیری دولت مبتنی بر مشارکت سیاسی ایرانیان را که هدف انقلاب مشروطیت بود، نابود ساخت. در یکی از شماره‌های روزنامه شاهین به وضعیت معارف آذربایجان پرداخته شده است. نویسنده مقاله بودجه معارف ایالت آذربایجان را در دوره قاجار با زمان رضاشاه مقایسه کرده است. در آنجا نوشته شده که بودجه معارف آذربایجان در دوره قاجار دویست تومان، ولی در سال ۱۳۱۴ش به سه میلیون و دویست هزار ریال رسیده است (شاهین، س ۷، ش ۳۰۵، ۳۰ تیر ۱۳۱۵: ۱). این در حالی بود که کودکان روستایی در

کمال محرومیت از نعمت خواندن و نوشتن باز می‌ماندند. روزنامه شاهین در نهایت تملق نسبت به رضا شاه خواستار آن بود که مقر اقامت ولایتعهدی به تبریز انتقال یابد و در صورت عدم موافقت با این امر، اجازه داده شود که این ایالت افتخار خدمتگزاری تاجدار زاده (ولیعهد) بزرگوار، سه ماه تابستان را داشته باشد. در پایان مقاله تأکید شده که این خواسته، یگانه آرزو و بزرگترین استدعای اهالی آذربایجان است (شاهین، س ۸، ش ۳۱۸، ۱۳ مهر ۱۳۱۵: ۱) این آرزو در حالی عنوان می‌شد که گردانندگان روزنامه سعی نمی‌کردند وضعیت اسف بار مردم محروم آذربایجان را انعکاس دهند.

۳-۱ روزنامه تبریز

یکی دیگر از روزنامه‌های این دوره، «روزنامه تبریز» است که به مدیریت حسین تبریزی و با سردبیری حسین امید در تبریز چاپ و منتشر شده است. با بررسی سرمقاله چند شماره به موضوعاتی هم چون: آموزش و تمدن، تعلیمات ابتدایی، تمجید از رضاشاه، تاریخ سیاسی جهان و اصلاحات حیاتی درباره تجارت و حکمیت برمی‌خوریم. اخبار داخلی، آگهی و اعلان ثبت اسناد و املاک تبریز و تبلیغات فروش کالسکه و ماشین موضوع صفحات داخلی آن بوده است (شماره‌های مختلف روزنامه تبریز)

روزنامه تبریز بر اصلاح وضعیت تربیت دختران ایرانی تأکید کرده و نوشته بود:

«ترقی روحی و فکری و تربیت جماعت اناث باید دوش به دوش ترقیات روحی و فکری ذکور واقع گردد» (تبریز، س ۲۲، ش ۴، ۴ اردیبهشت ۱۳۱۰: ۱).

این روزنامه با عنوان «مدرسه اساس ترقی است» از عدم مطابقت رشته‌های محصلان با احتیاجات مردم انتقاد کرده و نوشته است: «تحصیل علم و ایجاد مدرسه در مقابل احتیاجات اهالی باید بشود» (تبریز، س ۲۲، ش ۶، ۷ اردیبهشت ۱۳۱۰: ۱).

روزنامه در طی فعالیتش هر از گاهی به نشر افکار و عقاید ناسیونالیستی و میهن‌خواهانه می‌پرداخت. از جمله در یکی از شماره‌های آن به موانع ترقی ایرانیان اشاره نموده است:

«خیال نکنید که تنها زبان عربی، زبان فارسی را مسخر نموده و عرب‌ها هستند که روح ما را مطیع خود ساخته‌اند- بلکه هر یک از مسافرین پاریس و لندن هم سنگی به جلو پایمان انداخته‌اند و از راه راست ترقی مانع می‌شوند» (تبریز، س ۲۲، ش ۱۲، ۹ اردیبهشت ۱۳۱۰: ۱) نویسنده در شماره دیگر راه پیشرفت و ترقی را در کاهش آموزش زبان عربی و اروپایی و افزایش تعلیم علوم عملی در ایران دانسته است:

«اکنون باید برای چاره کوشید- امروز لازم است که در مدارس آموختن زبان عربی و اروپایی را تخفیف داده- به یادگرفتن فنون و صنایع از قبیل معماری و آهنگری و نجاری و حجاری و غیره اقدام شود- امروزه در مدارس باید اصول حریربافی و پشم‌ریسی و گیاه‌شناسی به شاگردان مدارس یاد داد - اگر در دهات مدرسه دایر نمودند- لازم است از اصول اقسام زراعتی به اطفال دهقانان تعلیم نمایند» (تبریز، س ۲۲، ش ۱۴، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۰: ۱).

روزنامه تبریز در سیزده شماره پیاپی، سر مقاله‌های خود را به بحث درباره امضای قرارداد تجارتهای دولت‌های ایران و اتحاد جماهیر شوروی اختصاص داده است. این قرارداد حول موضوعات اقامت اتباع دو طرف و تجارت و بحریمایی در تاریخ چهارم آبان ماه ۱۳۱۰ به امضا رسیده است. این معاهده اولین قراردادی است که بر روی اصل شناسایی قانون انحصار تجارت خارجی ایران از طرف دولت شوروی انعقاد یافته است تا موقعیت ایران در مورد ممالک ثالث مستحکم شود (تبریز، س ۲۲، ش ۹۴، ۴ آذر ۱۳۱۰: ۲). در یکی دیگر از شماره‌های روزنامه تبریز آمده است:

«پادشاه محبوب و عظیم‌الشأن ما ایرانیان را دعوت به استعمال امتعه داخلی نموده و ذات اقدس شاهانه نیز کرباس وطنی را به قماش‌های پر قیمت خارجه ترجیح دادند» (تبریز، س ۲۲، ش ۹۰، ۲۵ آبان ۱۳۱۰: ۱) آن روزنامه با ذکر این مطالب مردم را به استفاده از کالاهای داخلی تشویق و تحریض می‌کرد.

روزنامه تبریز قرارداد تجارتهای دول ایران و شوروی را مهم ارزیابی کرده و امضای آن را به فال نیک گرفته است:

«اگر درست این مواد [مواد قرارداد تجارتي ایران و شوروی] را تحت نظر درآوریم باید اذعان کنیم که یکی از شاهکارهای دولت حاضرۀ ایران بوده و اتباع ایرانی در سایۀ این مواد از فشار و تضییق رهایی می‌یابند» (تبریز، س ۲۲، ش ۹۷، ۱۱ آذر ۱۳۱۰: ۱).

روزنامه تبریز دربارهٔ انتخابات دوره ششم مجلس شورای ملی در آذربایجان نوشته بود: «در این انتخابات دولت و دولتیان بی طرفی خود را اعلام داشت» (تبریز، س ۱۷، ش ۲۲، ۲۲ شهریور ۱۳۰۵: ۱) با دقت در این جمله می‌توان به موضع طرفدارانه‌ی روزنامه از رژیم پهلوی پی برد این روزنامه زمینه‌سازی و دخالت شاه و دربار در انتخاب افراد مورد نظرشان برای مجلس شورای ملی را پنهان کرده و با انعکاس این اظهار نظرها توانسته است چندین سال به حیات خود در دوران خفقان آور رضاشاهی ادامه دهد.

۴-۱) روزنامه فریاد آذربایجان

از دیگر روزنامه‌های قابل ذکر باید به «فریاد آذربایجان» به صاحب امتیازی و سردبیری حاج کاظم دادگران در سال ۱۳۰۴ش اشاره کرد. طرز انتشار روزنامه ابتدا هفتگی و بعد یومیه بوده است (صدرهاشمی، ج ۴، ۸۱). سیاست کلی روزنامه، دفاع از حکومت رضا شاه پهلوی بود. این روزنامه بیشتر اخبار رسمی، تلگرافات اهالی آذربایجان را به مرکز، همچنین وضعیت عمومی مردم و اخبار خارجی و اوضاع محلی آذربایجان را چاپ می‌کرد. این روزنامه در یکی از شماره‌هایش در مورد تکلم زبان فارسی در میان جامعه ترک‌زبانان خبری آورده است:

«در اثر صدور اوامر واصله راجع به تکلم زبان فارسی هیئت نهضت ملی [کمسیون مختلط نهضت ملی] تصمیم گرفته‌اند که در محافل و مجالس رسمی و غیررسمی عموماً به زبان فارسی تکلم نمایند و برای تخلف‌کننده نیز جریمه معین نموده‌اند» (فریاد آذربایجان، س ۱، ش ۲۶، ۱۱ بهمن ۱۳۰۴: ۴). این نشریه در ادامه حمایت از حکومت رضا شاه، درباره انتخابات دوره ششم مجلس شورای ملی چنین نگاشته بود. «انتخابات این دوره وقتی شروع می‌شود که سلطان عظیم‌الشانی مثل اعلیحضرت پهلوی در رأس مملکت قرار گرفته و هیچ‌گونه نیرنگ در پیشگاه مقدسشان راه نخواهد یافت» (فریاد آذربایجان، س ۱، ش ۲۵، ۳ بهمن ۱۳۰۴: ۱).

۱-۵ هفته نامه عنکبوت

هفته‌نامه «عنکبوت» تنها نشریه فکاهی با محتوای انتقادی این دوره است. در بالای صفحه و زیر عنوان روزنامه این جمله دیده می‌شود: «هفته‌ای یک بار طبع و چهار مرتبه توقیف می‌شود» (مجیدی، ۲۱۴). این هفته نامه مصور با چاپ سربی از سال ۱۳۰۴ ش به مدیریت میرزاباقر نطاق منتشر می‌شد (نخجوانی، ۱۳۴۲: ۱۰). در سومین شماره این هفته نامه بیت زیر نگاشته شده است:

عنکبوت ار لانه دارد آدمی دارد وطن
عنکبوت آسا تو هم دُور وطن تاری بتن

(عنکبوت، س ۱، ش ۳، ۲۵ تیر ۱۳۰۴: ۱) که حاکی از حس وطن دوستی نویسندگان نشریه بود. در این هفته‌نامه کاریکاتورهایی با مضامین اجتماعی چاپ می‌شد. موضوعات بعضی از آنها مشکلات و دردهای جامعه، روابط ارباب و رعیت، انتخابات دوره ششم مجلس و... بود. اشعار و لطیفه‌هایی در باب اوضاع آذربایجان، همچنین اخبار داخلی و نامه‌ها و مکتوبات از شهرستان‌های آذربایجان درج می‌شد که این نشریه هم مطابق رویه طنز خود به آنها پاسخ‌هایی می‌داده است. عدم آگاهی و جهالت مردم ایران نویسندگان عنکبوت را آزار می‌داد:

«تصور نکنید که عنکبوت میرزا می‌گوید ایرانی بیدار شده و می‌خواهد راه نجاتی برای خود پیدا نماید. نه خیر ایرانی با این وضع که خوابیده و گرفتار غفلت و جهالت است دوپست سال بعد از این هم یقیناً برنمی‌خیزد» (عنکبوت، س ۱، ش ۶، ۲۷ مرداد ۱۳۰۴: ۲).

مطبوعات دیگری که در دوره زمامداری پهلوی اول در آذربایجان منتشر می‌شدند، عبارتند از: مجله «ماهتاب» به مدیریت محمدمین ادیب طوسی در سال ۱۳۱۶ ش در تبریز، روزنامه «شمال غرب» به مدیریت میرزاباقر نطاق در سال ۱۳۰۷ ش در تبریز، «رضائیه» به مدیریت امیر نظمی افشار در سال ۱۳۰۹ ش، «ابلاغ» مجله هفتگی در رضائیه در سال ۱۳۱۲ ش، «ندای حق» روزنامه هفتگی در سال ۱۳۱۳ ش در خوی (نخجوانی، ۱۳۴۲:

۱۰) و مجله ادبی به سال ۱۳۱۲ به طور هفتگی در تبریز تأسیس و منتشر می‌شدند (صدرهاشمی، ج ۴، ۱۸۱).

۲- نگاهی به مطبوعات آذربایجان از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ ش

دیکتاتوری رضاشاه در نتیجه دخالت خارجی‌ان سرنگون شد. آن حکومت خود کامه به دست متفقین کنار زده شد و همین امر نشان‌دهنده محرومیت رژیم از حمایت ملی بود. برکناری اجباری رضاشاه از مقام سلطنت، به فرزندش فرصت داد تا تحت پادشاهی را تسخیر کند. او تسلط کاملی بر امور نداشت. به یکباره فضای سنگین فشار و اختناق از بین رفت. در این برهه شور و تنش سیاسی و جو التهاب بر ایران مستولی گشت. بی‌ثباتی کابینه‌ها و رشد احزاب از ویژگی‌های این دوره بود. تغییر فضای سیاسی ایران از شهریور ۱۳۲۰ به بعد موجب دگرگونی وضعیت فرهنگی کشور شد. به عبارت دیگر از این تاریخ تا مرداد ۱۳۳۲ پرهیجان‌ترین دوره مطبوعاتی ایران محسوب می‌شود. نشریات در دوره گذشته شاهد شدیدترین کنترل‌ها بودند، اما در این زمان به آزادی دست یافتند و سانسور کتب و نشریات لغو شد. تعداد روزنامه‌ها به نحو بی‌سابقه‌ای افزایش پیدا کرد. از ۱۳۲۰ تا پایان سال ۱۳۲۵ش در مجموع ۳۶ روزنامه در آذربایجان منتشر شد (مجیدی، ۲۱۷). اهم مضامینی که تا قبل از تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان در نشریات مطرح می‌شد، عبارت بودند از: دفاع از حقوق دهقانان و کارگران، حمایت از مشارکت مردم در اداره امور آذربایجان و اجرای انجمن‌های ایالتی و ولایتی، دفاع از تاریخ و مدنیت و زبان مادری (ترکی). همچنین بر موضوعات قبلی که شمردیم اینها را باید افزود: انتقاد شدید از حکومت مرکزی، جستجوی علل تبعیض و عدم رسیدگی به آلام مردم منطقه و به محاکمه کشیدن رژیم خودکامه رضاشاهی و...

خالی از بهره نخواهد بود که بدانیم روزنامه‌های دوره تسلط فرقه بر آذربایجان به این موضوعات می‌پرداختند: آرمان فرقه دموکرات، اخبار و گزارش‌های مجلس ملی آذربایجان، تشویق مردم به شرکت در میتینگ‌ها و اجتماعات حزبی، اشعار شعرای انقلابی، تلگرافات گروه‌ها و دسته‌ها به مرکز، سخنرانی رؤسای فرقه، گزارش‌های کشورهای سوسیالیستی به

ویژه شوروی و سرگذشتنامه مبارزان ملی و مردمی و غیره... حال به بررسی مطبوعات شاخص سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ش انتشار یافته در آذربایجان می‌پردازیم:

۱-۲ روزنامه آذربایجان

نخستین و مهم‌ترین روزنامه پس از شهریور ۱۳۲۰ روزنامه «آذربایجان» است. اولین شماره آن از ۱۰ آبان ماه ۱۳۲۰، هر هفته دوبار در تبریز منتشر می‌شد. مدیریت آن به عهده علی شبستری و سردبیری روزنامه با اسماعیل شمس بود. شبستری از آزادیخواهان دوره مشروطه بود که در زمان فرقه دموکرات، ریاست مجلس ملی آذربایجان را به عهده داشت. روزنامه به دو زبان فارسی و ترکی به ارائه مطالب می‌پرداخت. این نشریه ارگان جمعیت آذربایجان بود و اهداف آن عبارت بودند از دفاع از حقوق دهقانان و کارگران، انتقاد شدید از حکومت مرکزی و مقام‌های دولتی مستقر در استان، دفاع از اداره امور آذربایجان به دست مردم آذربایجان، کمک به حکومت مردمی و دموکراتیک در ایران و آذربایجان (همان، ۳۱).

این روزنامه در نخستین شماره‌اش نوشت که در پی علت‌یابی مفاسد اقتصادی و اخلاقی جامعه ضمن تشریح اوضاع اجتماعی گذشته و حال است و در نهایت سعی می‌کند چاره عملی برای رفع فشارهای اقتصادی و اصلاح مفاسد اخلاقی جامعه پیدا کند (آذربایجان، س ۱، ش ۱، ۱۰ آبان ۱۳۲۰: ۱). روزنامه آذربایجان رفته‌رفته به ناشر خواسته‌های حزب توده ایران تبدیل شد. در سرمقاله یکی از شماره‌هایش، به آلمان و ایتالیای فاشیست تاخته و آرزو کرده است که شوروی متفکین بزرگ جهان را از شر خونخواران فاشیسم نجات بخشد (آذربایجان، س ۱، ش ۳۲، ۶ اسفند ۱۳۲۰: ۱) در یکی از شماره‌هایش، دلیل بدبختی آذربایجان را جویا شده (آذربایجان، س ۱، ش ۱۲، ۲۰ آذر ۱۳۲۰: ۱) و روزی دیگر علت از اجرا نشدن اصول انجمن‌های ایالتی و ولایتی را سؤال کرده است (آذربایجان، س ۱، ش ۲۸، ۲۰ بهمن ۱۳۲۰: ۱).

این روزنامه در سرمقاله یکی از شماره‌هایش از حق دهقانان دفاع کرده و در ادامه این چنین سران مملکت را مورد خطاب قرار می‌دهد: «ما صراحتاً می‌گوئیم مادامی که حقوق نخببران و دهقانان از تعدی و تجاوز این طبقه [مامورین دولتی] مصون نبوده، مقرراتی

نسبت به اراضی وضع نشده، وضعیت دهقانان و رنجبران در مقابل مالکین و اشراف روشن نگردد اصلاح جامعه هرگز سر نگرفته و خاموش نمودن اغتشاش و هرج و مرج میسر نشده بلکه برعکس روز به روز بدتر خواهد شد. در خاتمه این را نیز متذکر می‌شویم که هر قدر ظلم و فشار زیاد تر شود مسلم است که دامنه اغتشاش وسعت پیدا خواهد کرد» (آذربایجان، س ۱، ش ۳۳، ۱۱ اسفند ۱۳۲۰: ۱).

با تشکیل فرقه دموکرات در شهریور ۱۳۲۴ این روزنامه به ارگان رسمی آن فرقه تبدیل گشت. در دوره جدید روزنامه به زبان ترکی انتشار یافت. اکثر سرمقاله‌های این دوره نوشته سیدجعفر پیشه‌وری با امضای «پ» یا سلام‌اله جاوید با امضای «ج» بوده است. پس از شکست فرقه دموکرات در آذر ۱۳۲۵، انتشار این روزنامه به کلی متوقف شد (مجیدی، ۳۲).

۲-۲ روزنامه ستاره آذربایجان

این روزنامه از ۶ دی ۱۳۲۳ به صاحب امتیازی و سردبیری «محمدعلی هلال ناصری» [از بنیان‌گذاران جمعیت آذربایجان] با همکاری «لعل دل» در تبریز منتشر شده است. محتوای روزنامه، انتقادی و طنزآمیز بود و به عنوان ارگان اتحادیه زحمتکشان و کارگران حزب توده ایران فعالیت می‌کرد (همان، ۷-۱۱۶). ستاره آذربایجان از روزنامه‌هایی بود که دردهای مردم فقیر را بیان می‌کرد و به نقایص حکومت‌داری زمامداران مرکز و مقامات استانی اشاره می‌پرداخت. در یکی از شماره‌ها، از تبعیض گذاشتن بین تهرانی و شهرستانی می‌نالد و هشدار می‌دهد:

«ما با صدای رسا می‌گوییم که اگر بنا باشد آذربایجانی سرباز وظیفه دهد: جز ایالت آذربایجان به جایی نخواهد رفت و آلت اجرای اوامر سیدضیاءها و سرتیپ خسروانی و سایر جنایتکاران نخواهد شد... مگر طهران خود سرباز وظیفه ندارد؟ مگر آنها آفازده‌های گل سرسید ملتند؟ مگر آذربایجانی مردنی است و باید به تمام فشارهای شما تن در دهد؟» (ستاره آذربایجان، س ۱، ش ۷، ۷ بهمن ۱۳۲۳: ۳) این روزنامه در نهایت به علت حادثه ۲۱ آذر ۱۳۲۵ (شکست فرقه دموکرات آذربایجان) تعطیل شد.

۳-۲ روزنامه آذیر

روزنامه آذیر به مدیر مسؤلی سیدجعفر پیشه‌وری در تهران و تبریز منتشر می‌شد (جلیلی، ۱۳۷۵: ۴۱) موضع سیاسی آن مخالفت با استبداد و واپس‌گرایی و حمایت از آزادیخواهان و روشنفکران چپ‌گرا بود. اولین شماره آن در اول خرداد ۱۳۲۲ منتشر شد. موضوعات مختلفی همچون وضعیت کارگران و دهقانان، انتخابات آذربایجان در دوره چهاردهم مجلس، تلگرافات معترضان به مرکز، گزارش برگزاری میتینگ‌ها، فجایع ژاندارم‌ها و مالکین، اخبار فعالیت حزب توده در آذربایجان و اوضاع نابسامان آنجا در روزنامه آذیر چاپ می‌شد. آذیر متعلق به جبهه آزادی و پیشه‌وری یکی از پایه‌گذاران جبهه آزادی مطبوعات بود. این روزنامه به سخن مصدق درباره سیاست‌های شوروی در ایران و جهان احترام می‌گذاشت. زیرا مصدق گفته بود: «چنانکه من در گذشته دیده‌ام تردید ندارم که اگر اتحاد جماهیر شوروی از صحنه بین‌المللی ما غایب شود برای ما در هوای آزاد هم تنفس دشوار است» (آذیر، س ۲، ش ۲۲۹، ۳ دی: ۱) پیشه‌وری بعد از عکس‌العمل تندی که در برابر رد اعتبار نامه خود در مجلس نشان داد به نظام سیاسی حاکم حمله کرد. او در سخنرانی‌اش گفت:

«بعد از شهریور ۱۳۲۰ دیکتاتور رفت ولی دستگاه دیکتاتوری از بین نرفت و آن ماشینی که دیکتاتور از آن استفاده می‌کرد همچنان پایدار ماند» (آذیر، س ۲، ش ۲۵۷، ۱۵ اسفند ۱۳۲۳: ۱) پیشه‌وری در روزنامه خود به ذکر دلایل تخریب آذربایجان توسط رضاشاه می‌پردازد.

«... رضاخان از آذربایجان و همت مردان آزادی‌خواه او می‌ترسید و می‌دانست که آذربایجانی زیر بار زور و فشار ارتجاع نمی‌رود...» (آذیر، س ۱، ش ۴۲، ۳۰ تیر ۱۳۲۲: ۱) او به ادامه همان سیاست رضاشاهی در دوره فرزندش تأکید می‌کند: «... این سیاست خانه خراب کن هنوز هم در مغز فرسوده و کثیف مرتجعین باقی در اثر جنایتکاری آنها در عرض این سال برای جبران گذشته هیچ کار برای آذربایجان انجام نشده است...» (همان).

روزنامه آژیر قویاً اجرای اصل انجمن‌های ایالتی و ولایتی را دنبال می‌کرد. این روزنامه اهم خواسته‌های شورای نمایندگان احزاب تبریز را چاپ کرده است که یکی از بندهای آن اجرای همین اصل بود:

«۱- اجرای اصل انجمن ایالتی طبق اصول قانون اساسی تا زیادتر از این امورات اجتماعی و اصلاحات ضروری این ایالت معوق نماند. ۲- خواستار اجرای انتخابات مجلس شورای ملی (دوره چهاردهم) با توجه به اینکه در اکثر نقاط کشور انتخابات شروع شده، ولی در تبریز تا امروز اقدامی نشده است. ۳- برکناری سیدضیاءالدین طباطبایی از کرسی مجلس و محاکمه او» (آژیر، س ۱، ش ۸۳، ۲۶ آبان ۱۳۲۲: ۲).

نشر اخبار فعالیت‌های انجمن فرهنگی ایران و شوروی در تبریز (آژیر، س ۱، ش ۲۶۵، ۲۱ فروردین ۱۳۲۴: ۲) و همچنین گزارش وضعیت اقتصادی و اجتماعی آذربایجان از موضوعاتی است که در بیشتر صفحات روزنامه دیده می‌شود.

۴-۲ روزنامه جودت

این روزنامه از ۱۳۰۶ تا ۱۳۲۵ ش به مدیر مسئولی «حسن جودت» در اردبیل منتشر شد. روزنامه جودت در ۱۹ خرداد ۱۳۱۰ به جرم تبلیغات کمونیستی و بلشویکی توقیف، اما از تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۱۰ دوباره منتشر می‌شود. از سال ۱۳۲۰ ش این روزنامه با پیوستن به خیل آزادی‌خواهان، به انتقاد از ضعف‌های دولت مرکزی در منطقه پرداخت. حسن جودت در اواسط سال ۱۳۲۳ ش به جبهه آزادی پیوست و در مقابل دولت مرکزی موضع گرفت. او در زمان فرقه با ۱۵۸۲۶ رأی از طرف مردم اردبیل به نمایندگی مجلس ملی آذربایجان انتخاب شد (محمدیان، ۱۳۸۱: ۶۶-۶۳ و ۵۴-۵۳) بعد از این، روزنامه به دو زبان فارسی و ترکی به بیان مسائل اخبار فرقه می‌پرداخت و استقلال داخلی را خواستار می‌شد:

«استقلال داخلی به منظور رفع احتیاجات و تأمین فرهنگ و بهداشت محلی یگانه آرزوی ما بوده و با این تقاضا چهار میلیون آذربایجانی با جان و دل موافقت دارند» (جودت، س ۱۹، ش ۱۴۴۷، ۱۵ شهریور ۱۳۲۴: ۱) همچنین در سرمقاله همان شماره به قلم ن. حبیب‌اللهی نوشته شده است:

«ما اول از خانه خود شروع می‌کنیم و مطمئن هستیم که اصلاح و ترقی آذربایجان طبعاً موجب ترقی ایران خواهد گردید... کاسه صبر مردم لبریز و تحمل بر این همه ناملایمات غیرممکن می‌نمود... بالاخره فرقه دموکرات آذربایجان به زبان آذربایجانی می‌گوید: تهران به درد ما نمی‌رسد، احتیاجات ما را نمی‌تواند تشخیص بدهد، از فرهنگ ما جلوگیری می‌کند زبان مادری ما را تحقیر می‌نماید...» (همان).

۵-۲ روزنامه وطن یولوندا (در راه وطن)

روزنامه وطن یولوندا پس از ورود ارتش شوروی به تبریز از سال ۱۳۲۰ش به زبان ترکی انتشار یافته است. مسؤولیت روزنامه را رضا قلی‌یف، ش حسن و جعفر خاندان به عهده داشته‌اند (مجیدی: ۱۸۶) اولویت اخبار روزنامه چاپ خبرهای ارتش سرخ در جنگ جهانی دوم و شعارهای ضدفاشیستی بود. مقالات عناصر وابسته به احزاب چپ‌گرا در بیشتر صفحات دیده می‌شد. در یکی از اینها نوشته شده بود: «کمک‌های اقتصادی دولت شوروی موجب بهبود حیات ما شده است» (وطن یولوندا، س ۱، ش ۳۸، ۲۹ اسفند، ۱۳۲: ۴). در شماره دیگری از روزنامه آمده است: «دوستی ملت‌های ایران و اتحاد جماهیر شوروی محکم و فناپذیر است» (وطن یولوندا، س ۱، ش ۴۹، ۲۳ فروردین ۱۳۲۱: ۱).

در صفحات همین روزنامه از اشعار و مطالب ادبی افرادی همچون محمد بی‌ریا و مهدی اعتماد استفاده شده است. این نشریه بدون تردید برای مخاطبان ویژه‌ای در تبریز و سایر شهرهای آذربایجان به چاپ می‌رسید.

۶-۲ روزنامه ینی شرق (خاور نو)

این روزنامه از سال ۱۳۲۳ به مدیریت محمود ترابی به زبان ترکی در تبریز منتشر می‌شد (مجیدی، ۱۳۸۲: ۱۸۸) موضوعاتی همچون اخبار احزاب کمونیست در خاورمیانه، خبرهای فرقه دموکرات آذربایجان، گزارش‌های ضدارتجاعی و سخنرانی اعضای فرقه در آن چاپ شده است. تیتیر سرمقاله یک شماره آن به شرح زیر است: «ارتجاع قلدر نابود شدنی است» (ینی شرق، س ۳، ش ۱۵۴، ۹ آذر ۱۳۲۵: ۱). ینی شرق، عضو جبهه آزادی بود و با انحلال فرقه در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ تعطیل شد.

۷-۲ روزنامه جوانلار (جوانان)

اولین شماره روزنامه جوانلار به تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۵ برمی‌گردد. محمد بی‌ریا (وزیر فرهنگ حکومت ملی آذربایجان) صاحب امتیاز روزنامه بود. این روزنامه ارگان سازمان جوانان فرقه دموکرات آذربایجان محسوب می‌شد و سراسر آن مملو از اخبار مربوط به فعالیت‌های جوانان فرقه، گزارش برنامه‌های فرهنگی و آموزشی و نمایشی فرقه بود (برادران شکوهی، ۱۳۸۵: ۶-۷۵).

نتیجه‌گیری

سیاست ناسیونالیسم اقتدارگرای ایرانی حکومت رضاشاه که جهت هم‌نوایی ملی توسط ناسیونالیست‌های از خارج برگشته تدوین شده بود، منجر به نادیده انگاشتن حقوق فرهنگی غیرفارس‌زبانان گشت. همان ناسیونالیست‌ها برای نیل به وحدت ملی بر عمومیت زبان فارسی، محو تکثر هویتی و فرهنگی اقوام تأکید می‌ورزیدند که همین امر دلیل رکود تولید آثار فرهنگی سایر اقوام گردید.

مطبوعات آذربایجان در عهد پهلوی اول بیشتر در خدمت آمال پادشاه بودند و به تعریف از اقدامات او و عمالش می‌پرداختند. نویسندگان نشریات نمی‌توانستند از اوضاع نابسامان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انتقاد کنند. همچنین از انتشار مطالب به زبان مادری (ترکی) منع شده بودند. این وضعیت مطبوعات از سیاست ناسیونالیسم ایرانی و قدرت مطلقه پادشاه و دربار رژیم پهلوی ناشی می‌شد.

پس از سقوط نظام رضاشاهی، سیاست مذکور کمابیش ادامه یافت؛ اما اقلیت‌های قومی را در برابر روند «فارسی‌سازی» به یک خودآگاهی چالش‌برانگیز رساند. آزادی‌های گسترده سیاسی، لغو سانسور کتب و نشریات و رشد احزاب و گروه‌های بی‌سازمان از ویژگی‌های اصلی بعد از شهریور ۱۳۲۰ است. فعالان فرهنگی از انکار و قدغن شدن زبان، تاریخ و مدنیت آذربایجان طی سالیان قبل احساس تحقیر غرور هویتی می‌کردند. به همین دلیل نخستین کار دسته‌های فرهنگی و سیاسی، طبع و نشر کتب و مطبوعات به زبان مادری بود.

وجه دیگر فعالیت مطبوعات دوره (۱۳۲۴-۱۳۲۰ش) بر حمایت آگاهانه از توده‌های ستمدیده دهقانی و طبقه کارگر، اجرای اصل انجمن‌های ایالتی و ولایتی، انتقاد از حکومت مرکزی و سیستم ارباب - رعیتی استوار بود. بعضی مطبوعات هم از سیاست‌های شوروی در ایران جانبداری می‌کردند. در هر صورت محتوای روزنامه‌های زمان رضاشاه با عهد محمدرضاشاه (۱۳۲۴-۱۳۲۰ش) تفاوت بنیادین داشت. در حقیقت سیاست انقباضی دوره اول با شرایط انبساطی سال‌های آغازین دوره پهلوی دوم دلیل همان تفاوت بود.



منابع

- ۱- آقازاده، حبیب‌الله (۱۳۰۸)، «شاهین»، شماره‌های ۲۹۲ - ۳۰۵ - ۳۱۸، سال هفتم - هشتم.
- ۲- امید، حسین (۱۳۱۰)، «تبریز»، شماره‌های ۴ - ۶ - ۱۲ - ۱۴ - ۹۴ - ۹۰ - ۹۷ - ۲۲، سال بیست و دوم - هفدهم.
- ۳- برادران شکوهی، سیروس (زمستان ۱۳۸۵)، «شناسائی شناسنامه‌ای روزنامه‌های تبریز در فاصله زمانی ۲۴-۱۳۲۵ ش. / ۱۹۴۵-۱۹۴۶ م. با تأکید بر توضیح روزنامه جوانلار (جوانان)»، گنجینه اسناد، شماره ۶۴، سال شانزدهم.
- ۴- برزین، مسعود (۱۳۷۰)، «تجزیه و تحلیل آماری مطبوعات ایران ۱۳۵۷-۱۳۱۵ ش»، چ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۵- پیشه‌وری، سیدجعفر (۱۳۲۲)، «تبریز»، شماره‌های ۲۲۹ - ۲۵۷ - ۴۲ - ۸۳ - ۲۶۵، سال یکم، دوم.
- ۶- ترابی، محمود (۱۳۲۳)، «ینی تشرق (خاور نو)»، شماره ۱۵۴، سال سوم.
- ۷- جلیلی، سعید (۱۳۷۵)، «دانشنامه مطبوعات آذربایجان (۱۳۷۰-۱۳۳۰ ش)»، چ اول، تبریز، مهد آزادی.
- ۸- جودت، حسن (۱۳۰۶)، «جودت»، شماره ۱۵، سال نوزدهم.
- ۹- دادگران، کاظم (۱۳۰۴)، «فریاد آذربایجان»، شماره‌های ۲۵-۲۶، سال یکم.
- ۱۰- شبستری، علی (۱۳۲۰)، «آذربایجان»، شماره‌های ۱ - ۳۲ - ۱۲ - ۲۸ - ۳۳، سال یکم.
- ۱۱- صدرهاشمی (۱۳۳۲)، محمد، «تاریخ جرائد و مجلات ایران»، جلد‌های ۱، ۲، ۳، ۴، چ اول، اصفهان، بی‌نا.
- ۱۲- غنی‌زاده، محمود (۱۳۰۵)، «سهند»، شماره‌های ۱۷ - ۲۱ - ۲۶ - ۲۸ - ۷۸ - ۷۹ - ۲، سال یکم - هشتم - سیزدهم.
- ۱۳- قلی‌یف، رضا (۱۳۲۰)، «وطن یولوندا (در راه وطن)»، شماره‌های ۳۸ - ۴۹، سال یکم.

- ۱۴- کسروی، احمد (۱۳۸۱)، «تاریخ مشروطه ایران»، چاپ بیستم، تهران، امیرکبیر.
- ۱۵- نطاق، میرزا باقر (۱۳۰۴)، «عنکبوت»، شماره‌های ۲۵ - ۲۷، سال یکم.
- ۱۶- مجیدی، موسی (۱۳۸۲)، «تاریخچه و تحلیل روزنامه‌های آذربایجان ۱۳۸۰-۱۳۳۰»، چ اول، تهران، کتابخانه ملی ایران.
- ۱۷- محمدیان اردی، حیدر (۱۳۸۱)، «تاریخ مطبوعات اردبیل»، جلد ۱، چ اول، اردبیل، نیک‌آموز.
- ۱۸- نخجوانی، حسین (بهار ۱۳۴۲)، «تاریخچه انتشار روزنامه‌ها و مجلات در آذربایجان و تبریز از صد سال پیش تا کنون»، «نشریه دانشکده ادبیات تبریز»، شماره اول، سال پانزدهم.
- ۱۹- هلال ناصری، محمدعلی (۱۳۲۳)، «ستاره آذربایجان»، شماره ۷، سال یکم.